

## پژوهشنامه تمدن ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

### سه اندرزنامه منظوم دوره ساسانی به زبان پهلوی

عباس آذرانداز<sup>۱</sup>

#### چکیده

اندرزنامه‌های پهلوی بخش مهمی از ادبیات دوره میانه هستند که حکمت و رویکرد اخلاقی جامعه ایران را در عصر ساسانی بازتاب می‌دهند. مجموعه اندرزهای پهلوی بر ادبیات و شعر پس از اسلام تأثیر بسزایی گذاشته است. این آثار عمدتاً به نثر هستند؛ اما در میان آنها چند متن کوتاه وجود دارد که ساختاری شعرگونه دارند و مضامین آنها نیز در شعر گویندگان بزرگ پارسی گوی به زیبایی تکرار شده است. وزن آنها بر پایه وزن شناسی شعر دوره میانه است و صورتی خام از قافیه نیز در برخی از آنها دیده می‌شود. «اندرز بهزاد فرخ‌پروز»، «خیم و خرد فرخ‌مرد»، و اندرزنامه‌ای با مضمون ناپایداری دنیا از جمله این اندرزهای منظوم است که در این مقاله، معرفی و به برخی نکات زبانشناختی، ادبی و فکری آنها اشاره می‌شود. ستایش خرد، اندازه نگاه داشتن (پیمان)، تشویق به آموختن پیشه و ناپایداری دنیا از مواردی است که در این اندرزنامه‌ها آمده و نشان‌دهنده اندیشه‌های مطرح ساسانی و ارتباط آنها با آیین‌نامه‌های آن دوران است.

**واژه‌های کلیدی:** عصر ساسانی، زبان پهلوی، اندرز بهزاد فرخ‌پروز، خیم و خرد فرخ‌مرد، ناپایداری دنیا.

---

<sup>۱</sup>. عضو هیات علمی پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران. abbasazarandaz@yahoo.com

تاریخ پذیرش نهایی: ۲۰-۷-۹۷

تاریخ دریافت مقاله: ۵-۲-۹۷

### *Three Poetical Andarzes of the Sassanid period in Pahlavi*

#### **Abstract**

Pahlavi Andarz texts are an important part of the Iranian literature in Middle stage that reflect the wisdom literature and ethical approach of the Iranian society in the Sassanid era. The Pahlavi Andarz has had a significant impact on post-Islamic literature and poetry. These works are mainly prose, but among them there are several short texts that have the poetical composition, and their themes have also been beautifully repeated by the great Persian poets. Their meter is based on middle Iranian versification and in some of them is also observed a primitive form of rhyme. In this article, three versified Andarzs: “Poem in praise of wisdom”, “Andarzi Wehzād FarroxPērōz”, and an Andarz with the theme of transience of the world are introduced, and also mentioned some of their linguistic, literary, and content aspects. The praise of the wisdom, the concept of right measure (paymān), encouraging to learn the profession and transience of the world are the cases mentioned in these Andarz texts that reflect the common Sassanian thoughts and show their relation to the Ayīn-Nāmes of that era.

**Key words:** Didactic Literature, Sassanid Era, Middle Persian, Pahlavi Andarz, Versified Andarzes

## ۱- مقدمه

زبان‌های ایرانی میانه به دو شاخه غربی و شرقی تقسیم می‌شود. شاخه ایرانی میانه غربی، شامل زبان پارتی (یا پهلوانی یا پهلوی اشکانی)، زبان رایج دوره اشکانی در شمال و شمال شرقی ایران و فارسی میانه یا پهلوی، زبان رایج دوره ساسانی در جنوب و جنوب غربی ایران است. از این دو زبان، اشعاری باقی مانده است که برخی از آنها به جامعه زردشتی و برخی به جامعه مانوی تعلق دارد.

«زبان فارسی میانه، زبان رسمی دوران ساسانی به شمار می‌رفته است؛ از آنجا که این زبان اساساً به ایالت فارس تعلق داشته است و نیز به علت اینکه از نظر ساختمان زبانی در مرحله‌ای میان فارسی باستان و فارسی نو (=دری) قرار دارد، محققان جدید آن را «فارسی میانه» نامیده‌اند» (تفضلی، ۱۳۷۵: ۱۲).

آثاری که از زبان پهلوی بر جای مانده است دو دسته‌اند؛ یک دسته کتیبه‌های پهلوی است که سنگ‌نوشته‌ها و آثاری را شامل می‌شود که روی پوست و پاپیروس، فلز، سفال و چوب نوشته شده است و دسته دوم، ادبیاتی است که به این زبان و به خط پهلوی کتابی تألیف شده و بیشتر آثار دینی زرتشتی است. مهم‌ترین بخش این گروه را اندرزنامه‌ها تشکیل می‌دهند که تأثیر زیادی بر ادبیات دوره اسلامی داشته‌اند. اکثریت قریب به اتفاق اندرزنامه‌های پهلوی به نثر است؛ اما در میان آنها، چند اندرز کوتاه منظوم نیز دیده می‌شود که در این مقاله معرفی می‌شوند.

### ۱-۱- بیان مسئله

اندرزنامه‌های منظوم فارسی میانه که در میان متون نثر با املاهای پهلوی قرار گرفته‌اند، ابتدا برکسی آشکار نبود که ساختاری منظوم دارند. اشعار اندرزی در متن‌های پهلوی پراکنده‌اند و هر کدام به دلیل اهمیتی که داشته‌اند، سده‌های متمادی توجه ایران‌شناسان و زبان‌شناسان را به خود جلب کرده، و آنها را بویژه از نظر وزن‌شناختی مورد توجه قرار داده‌اند. این اندرزهای منظوم از

نظر ادبی و فکری دارای چه ویژگی‌هایی هستند و تأثیرات آنها در ادب و فرهنگ پس از اسلام چگونه بوده است؟ در این مقاله کوشش شده که ضمن یکپارچه کردن این متون منظوم، ترجمه جدیدی نزدیک‌تر به سبک اصلی از آنها ارائه شود. ویژگی‌های ادبی و فکری آنها و برخی تأثیرات که در ادب و فرهنگ پس از اسلام گذاشته‌اند از موارد مورد بررسی در این جستار است.

### ۱-۲- پیشینه پژوهش

شعر بودن اندرزنامه‌ای را که خیم و خرد فرخ‌مرد نام دارد، تاوادیا تشخیص داد (Tavadia, 1950: 86-95). تفضلی نیز، اندرز بهزاد فرخ‌پروز را منظوم دانسته است (تفضلی، ۱۳۷۵: ۱۹۰) و شاکد، سه اندرزنامه‌ای را که در مقاله حاضر معرفی می‌شود، از نظر وزن مورد تحلیل قرار داده است (شاکد، ۱۳۹۲: ۴۶۷-۴۷۹). اساساً بیشتر بررسی‌هایی که بر روی آثار منظوم فارسی میانه انجام شده، از لحاظ وزن‌شناسی بوده است. نخستین کسی که به منظوم بودن درخت آسوری و یادگار زریران در میان آثار فارسی میانه پی برد و کوشید تا با اعمال تغییرات و اصلاحات در متن، وزن آنها را به پیروی از یشت‌ها هشت‌هجایی کند، بنویست بود؛ اما بررسی علمی‌تر مبانی وزن‌شناختی موجود در شعر فارسی میانه را هنینگ انجام داد. او که در ابتدا فکر می‌کرد این اشعار از تعداد معینی هجا در هر بیت تشکیل شده‌اند، بعداً دریافت که این امر با واقعیت منطبق نیست. به اعتقاد او، باید میانگین هجاها را به عنوان اساس وزن شعر فارسی میانه در نظر گرفت. شاکد با تکیه بر برخی از اندرزنامه‌ای منظوم، دیدگاه هنینگ را مورد انتقاد قرار داد (همان)؛ اما لازار جدیدترین تحقیقات را در زمینه وزن شعر میانه انجام داده است (لازار، ۱۳۹۵: ۵۷-۱۸۱).

بحث قافیه در شعر دوره میانه را نیز، هنینگ مطرح کرد. او می‌پذیرد که در شعر دوره میانه، کوششی آگاهانه و عمدی برای ایجاد قافیه در شعر صورت نگرفته است؛ اما وی یک متن

اندرزی را از متون پهلوی جاماسب آسانا نقل کرده و معتقد است که وجود قافیه در آن اتفاقی نیست:

از گفت پیشینگان	دارم اندرزی از داناگان
پد راستی اندر گیهان	اُ شـمـا بـ و زارم
بـود سـودِ دو گیهان	اگر [این از من] پدیرید
وَس-آرژگ اندر گیهان	پد گیتی و سـتـاخ مـبـد
نِ خـشـک اُد [ن] خـان و مان	چه گیتی پد کس بـ نِ کِشـت-هند

(Henning, 1977: 355).

در ایران، ملک الشعراى بهار (۱۳۶۹: ۱۰۷-۱۱۳) و دکتر پرویز ناتل خانلری (۱۳۶۷: ۷۳-۷۸) درباره شعر دوره میانه مطالبی نوشته‌اند. در آثار آنان نیز مانند اغلب اروپاییان، بیشتر وزن و قافیه در این اشعار مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. استاد ابوالقاسمی نیز، کتابی به اشعار پیش از اسلام اختصاص داده که در بخش دوم آن، اشعار دوره میانه معرفی و بررسی زبانی شده‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۶۲).

### ۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

اندرزنامه‌های منظوم پهلوی از چند جهت حائز اهمیت و شایسته بررسی‌اند، نخست این که آثار منظوم زیادی از نوشتگان پهلوی بر جای نمانده است و این اشعار هرچند کوتاه، در شناخت ویژگی شعر دوران ساسانی منبع ارزشمندی به شمار می‌آیند، دوم این که نوع ادبیات تعلیمی را نمایندگی می‌کنند که پیش از اسلام اهمیت بسیار داشته و جذابیت خود را پس از اسلام نیز حفظ کرده‌اند، به گونه‌ای که بخشی از آنها به زبان عربی ترجمه شده، و یا این که در اشعار

پارسی گویانی مانند فردوسی تکرار شده است. نکته دیگر در مورد اهمیت اندرزنامه‌های منظوم از نظر محتوایی است؛ در آنها مفاهیمی، چون خرد، پیمان به معنای میانه‌روی و ناپایداری این جهان آمده است که افزون بر این که سلیقه مردم را در عصر ساسانی نشان می‌دهند، از پیوند فکری میان ادبیات پیش و پس از اسلام پرده برمی‌دارند.

## ۲- بحث

### ۲-۱- انواع شعر در فارسی میانه

از میان زبان‌های ایرانی میانه، بیشترین سند باقی‌مانده از آن فارسی میانه است؛ اما به نسبت این حجم انبوه، سهم اشعار اندک است. دادن صفت شعر به بسیاری از این اشعار، تنها به دلیل وزن بوده است؛ زیرا عمدتاً تحریر آنها به صورت نثر انجام گرفته و جدای از بلاغت بی‌تصویر، در حوزه بیان و بدیع نیز، عنصر چشمگیری در آنها دیده نمی‌شود؛ اما آثاری چون درخت آسوری و به‌ویژه یادگار زریران که عناصر واژگانی پارتی آنها نشان می‌دهد که از دوره درخشان شعر و موسیقی عصر اشکانی به یادگار مانده‌اند، می‌توانند گوشه‌ای از سنت‌های شفاهی این دوره پربار را بنمایانند.<sup>۲</sup>

بویس، آثار منتقل شده پهلوی را به دو دسته تقسیم می‌کند؛ دسته‌ای که موبدان زردشتی، که عالمان و آموزگاران عصر خود بوده‌اند، منتقل کرده‌اند و دسته دیگر که نام اشعار غیرتعلیمی به آنها می‌دهد، اشعاری هستند که خوانندگان دوره گرد (گوسانان یا خنیاگران)، سرگرم‌کنندگان شاه و رعیت، ... حاضران در سوگواری و جشن، مداح، هزل‌گو، داستان‌سرا، نوازنده، ثبت‌کنندگان افتخارات گذشته و روایتگران عصر خود که نقش مهمی در جامعه ساسانی ایفا می‌کرده‌اند، آفریده‌اند (Boyce, 1968: 55).

«چنین به نظر می‌رسد که پیوسته در ایران تا فتح عرب، نوعی فرهنگ ادبی دو وجهی وجود داشته است؛ از یک سو، نثری مکتوب متأثر از بیگانه و برخوردار از قبول رسمی است که

عمدتاً برای مقاصد دینی عملی پدید آمده و گسترش دامنه آن بسی کند بوده است. این نثر مکتوب دارای املاهای بسیار دشواری بوده است. در سوی دیگر، شعر غیر مکتوب بومی است که به وسیله همگان پرورش داده می‌شده و گستره پهنای آن را در برمی‌گرفته است. ظاهراً این هنر بسی تخیلی و قابل انتقال و بدون استثنا با موسیقی در ارتباط بوده است» (بویس، ۱۳۶۸: ۸۲).

ویژگی شفاهی و قابل نقل و اجرا بودن اشعار دوره میانه، به ویژه اشعار جامعه زردشتی، مهم‌ترین نکته‌ای است که از لحاظ بررسی زیباشناسانه باید مورد ملاحظه قرار داد. سنت شفاهی تنها مخصوص آثار ادبی نبوده؛ بلکه آثار دینی را نیز شامل می‌شده است. شواهد امر نشان می‌دهد که اشعاری که خنیاگران در دربار شاهان یا در اجتماع برای عامه مردم می‌خواندند، بیشتر داستان‌هایی از نوع حماسی یا غنایی بوده و پاره‌ای نیز، محتوای اندرزی داشته است.<sup>۳</sup> از اشعار غنایی که خنیاگران نقل می‌کرده‌اند، هیچ نمونه‌ای به زبان پارسی یا فارسی میانه باقی نمانده است؛ اما نمونه‌های بازمانده که پس از اسلام به فارسی ترجمه شده؛ مانند منظومه‌های ویس و رامین، هفت پیکر و خسرو و شیرین، خطوط کلی و برخی گرایش‌های ذوقی را در زمینه شعر غنایی دوره میانه آشکار می‌سازد. تنها نمونه باقی‌مانده از شعر حماسی دوره میانه که جنبه نمایشی داشته و یادگار سنت شفاهی است، یادگار زریران است که این اثر برای سنجش آثار حماسی پس از اسلام، ارزش و اعتبار بسیاری دارد.

اندرزنامه‌ها جزء ادبیات تعلیمی دوره میانه زردشتی محسوب می‌شوند که ریشه در سنت شفاهی دارد. این آثار کاملاً جنبه حکمی و اندرزی دارند و بلاغت آنها بیشتر بر قدرت کلام گوینده مبتنی است تا قوه تخیل او. نمونه‌های بارز چنین اندرزهایی، اندرزنامه‌های منظوم هستند که به دلیل موزون بودن و داشتن هارمونی، قابلیت بهتری داشتند تا از حفظ خوانده شوند.

نخستین اجراهای باربد، خنیاگر پرآوازه خسرو پرویز در شاهنامه، مثال خوبی برای نشان دادن گستره هنر خنیاگری دوره میانه در همه حوزه‌های ادبی پیش‌گفته، از جمله ادبیات تعلیمی است. طبق روایت فردوسی، باربد که سعایت اقران مانع باریابی او به بارگاه خسرو شده

است، با به دست آوردن دل باغبان شاه به جشنگاه خسرو می‌رود که هنگام نوروز دو هفته در آن مقام می‌کند. بارید برای اینکه شاه از میزان هنر او آگاهی یابد، خود را در بالای درخت تنومند سروی پنهان می‌کند. شاه در نشستگاه خود جای می‌گیرد و به میگساری مشغول می‌شود؛ پس از اینکه خورشید غروب می‌کند و سیاهی شب همه جا را فرامی‌گیرد، بارید سه سرود اجرا می‌کند؛ نخست:

زننده بر آن سرو برداشت رود      همان ساخته پهلوانی سرود

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۲۲۸/۹)

از فحوای کلام فردوسی پس از آن، چنین به نظر می‌رسد که مضمون سرودهای دیگر با سرود نخست متفاوت بوده است. دکتر خالقی مطلق معتقد است که دو سرود دوم و سوم پهلوانی نبوده است؛ «گمان می‌کنم دومی با محتوای اندرزی و سومی نظیر سرود گوسان در ویس و رامین تمثیلی بوده است و یا نظیر سرودهای بارید و نکیسا که در خسرو و شیرین نظامی در وصف و حال شیرین و خسرو می‌خوانند» (خالقی مطلق، ۱۳۷۲: ۴۲). اگر استدلال و گمان دکتر خالقی مطلق از سرودهای بارید درست باشد، هنر خنیاگری در هر سه نوع ادبی حماسی، تعلیمی و غنایی قابلیت اجرای سرود داشته است؛ از این رو، علاوه بر یادگار زریران، متون منظوم اندرزی فارسی میانه را نیز می‌توان بازتابی از این هنر قلمداد کرد.

## ۲-۲- اندرنامه‌های منظوم

اندرنامه‌های پهلوی، مهم‌ترین بخش ادبیات دوره میانه و متعلق به سنت شفاهی در ایران باستان است؛ سنتی که بعدها با خط پهلوی به صورت مکتوب درآمده است. بیشتر اندرنامه‌های پهلوی به نثر بوده و به بزرگان و حکما نسبت داده شده‌اند. نمونه‌های منظوم اندرنامه‌های پهلوی کم‌شمار است؛ اما از این جهت که محتوای آنها به حکمت و اخلاق همگان تعلق دارد، از جایگاه ویژه‌ای در میان ادبیات دوره میانه برخوردار هستند. مضامین آنها به دلیل داشتن بُعد انسانی و



عامی، به زمان و مکان آن عصر محدود نشده و در ادبیات پس از اسلام نیز، در قالب و هیئتی دیگر، در شعر شاعران و آثار نویسندگان تداوم یافته است. سه اندرزنامه منظوم که در این مقاله معرفی می‌گردند، دارای دو مضمون بسیار رایج در شعر و ادب پس از اسلام هستند؛ یکی تأکید بر ناپایداری دنیا که در شعر خیام و حافظ و بسیاری شاعران دیگر به زیبایی عرضه شده است و دیگری، خرد و دانایی که در جای جای شاهنامه فردوسی و قصاید ناصر خسرو، همگان را به توجه به آنها توصیه کرده‌اند.

### ۲-۲-۱- اندرز بهزاد فرخ‌پیروز

از بهزاد فرخ‌پیروز تنها همین یک اندرز برجای مانده است. دکتر مزداپور احتمال می‌دهد که او مانند آذرباد مارسپندان و اوشنر دانا شخصیتی تاریخی است (مزداپور، ۱۳۸۶: ۲۹). این متن در متن اساس، بدون عنوان است و پس از اندرز آذرباد مارسپندان آمده است (Jamasp-Asana, 1913: 73-77). بخشی از این اندرز که در مدح خرد است، زبانی شاعرانه دارد و جملات، ساده، موجز و بی‌ابهام است. تفضلی صورت شعری قطعه‌ای از آن را (بند ۸ تا ۱۸) به دست داده است.<sup>۵</sup> هماهنگی صوتی آخر ابیات در آن که نوعی خام از قافیه را تداعی می‌کند، قابل توجه است. شاکد نیز آن را برای دیدگاه خود درباره وزن شعر در دوره میانه به‌عنوان نمونه آورده و ترجمه کرده است:

- [1] če-m uzmūd harv wad az dām  
hamāg frāxīh ud fryādišn az xrad
- [2] če mard ō wuzurg afrāz xrad nayēd  
ud az škift-tōm ōrēb xrad bōzēnd
- [3] xrad dāštār pānag ī jān  
xrad buxtār ud friyādāg ī tan
- [4] andar tawānāgīh xrad weh  
ud pad-ez kam-xīrīh xrad pānag-tar
- [5] ēdar pad hayyārīh xrad weh  
anōh pad pušt-panāhīh xrad pānag-tar

- [6] abzār pad xrad pādyāwand-tar  
nām pērāyag az xrad  
[7] rādīh pad xrad friyādišnīg-tar  
δūdag-abrōzišnīh abzār pad xrad wisēd  
[8] dēn-ēwarīh tāštīg xrad rāy  
dānišn xrad rāy stāyīdag  
[9] paymān paydāg-tar xrad rāy  
dānišn drad rāy kārīg-tar  
[10] če harw ke-š xrad ast hunar-ez ast  
če harw ke-š xrad ast xwāstag-ez ast  
če harw kār ī nēwag bun pad xrad wisēd

- ۱- چه من آزموده‌ام هر بدی را از آفریدگان و همه فراخی و یاری را از خرد.  
۲- چه خرد است که مرد را به فراز (بلندی) بزرگ هدایت می‌کند و خرد است که او را از شگفت‌ترین بدبختی می‌رهاند.  
۳- خرد محافظ و نگهبان جان است، خرد رهاننده و فریادرس است.  
۴- خرد در توانگری بهترین است، در فقر نیز خرد بهترین نگهبان است.  
۵- اینجا برای یاری، خرد بهتر؛ آنجا برای پشت‌پناهی (پشتیبانی)، خرد پناه‌تر.  
۶- نیرومندتر با خرد نیرومندتر شود، پیرایه نام از خرد است.  
۷- رادی با خرد مفیدتر شود، نیرومند افروزش خانواده‌اش را به کمک خرد به پای دارد.  
۸- دین‌باوری با خرد پابرجا شود، دانش با خرد بهتر شود.  
۹- پیمان (اعتدال) با خرد پیداتر شود، دانش با خرد کاری‌تر شود.  
۱۰- چه هر که را خرد است، هنر نیز هست. چه هر که را خرد است، خواسته نیز هست.  
چه [مرد] بن هر کار نیک را با خرد می‌نهد (Shaked, 1970: 398-400).

## ۲-۲-۲- خیم و خرد فرخ‌مرد

«خیم و خرد فرخ‌مرد» نیز در مجموعه متون پهلوی به چاپ رسیده است (Jamasp-Asana, 1913: 162-67). «بخشی از این متن پاره‌نوشتار آهنگین و کوتاهی به زبان پهلوی است که به نظر می‌رسد شعر باشد. به همین علت، گاهی تأثیر زبان شعری و آهنگ کلام، بازنمایی مرز جمله‌ها و عبارات را دشوار می‌گرداند و در نتیجه، درک معنی به ابهام می‌افتد؛ فزون‌تر آنکه چون این قطعه مضمونی متمایز و منحصر به فرد و تکامد دارد، واژه‌ها و ترکیبات آن از حیثه نثر معمولی و عادی پهلوی و سبک و سیاق فقهی و اندرزگونه‌ای آن درمی‌گذرد و همراه با پذیرفتن تأثیر از زبان زنده‌زمانه، بیانی زنده‌تر و پرتحرک‌تر می‌یابد. به این دلایل است که خیم و خرد فرخ‌مرد، هم پاره‌نوشتاری دشوار به شمار می‌رود با واژه‌های ناخوانده و هم نمونه یکتایی است که باید آن را بازمانده نوعی خاص از نوشته‌های پهلوی دانست با سبکی ویژه» (مزدآپور، ۱۳۸۰: ۶۹). در این متن، از بندهای ۱۶ تا ۱۹ در ستایش خرد است که به صورت منظوم و با قافیه نوشته شده است. نخستین بار، تاوادیا به منظوم بودن آن پی برد (Tavadia, 1950: 86). شاکد کوشش او را در تحمیل الگوی هشت‌هجایی به ابیات شعر مورد انتقاد قرار داده است؛ بنابراین، خود او به این دلیل که به وجود وقفه و مکث در شعر دوره میانه معتقد است، شعر را با اصلاحاتی جزئی آوانویسی و ترجمه کرده است:

- [1] *če was raft hēm andar āwām*  
*was-am wazīd kustag kustag*
- [2] *was-am wizust az dēn mānθr*  
*was-om az nibīg ud nāmag grift*
- [3] *man dastwar wizārdār kard*  
*man ham-pursagīh stāyīdag dīd*
- [4] *[ne] dānāg xrad āzād*  
*ne-z wizīdār dīd ačārag*

- [5] ne husraw andar ōrēb  
ud ne pad niyāz mard i pad xrad  
[6] u-m anjaman dīd wuzurgān  
pad guft uskār ud wīr xrad  
[7] u-m dēn dastwarān pursīd  
ku xwāstag weh ayāb xēm xrad  
[8] u-šān pad hamāg čāstag guft  
ku nām dārišnīh zōr i xrad  
[9] če xwāstag ud ganz a-mar  
xem pahrēzēd ud xrad dārēd  
[10] pad mard angadīh I xrad weh  
handōxt I pēšag arzōmand-tar  
če xwāstag [i] xēm ud ham-uskār [i] xrad pahlom-tar

- ۱- چه بسیار رفته‌ام در زمانه، نواحی بسیار را درنور دیده‌ام.
  - ۲- بسیار آموختم از کلام دین، بسیار فراگرفتم از کتاب و نامه.
  - ۳- دستور را گزیدار (مفسّر) کرده‌ام، همپرسی را ستوده دیده‌ام.
  - ۴- نه آزاده دانای خردمند را و نه گزیدار را بیچاره دیده‌ام.
  - ۵- نه خوشنام را در رنج و نه مرد بخرد را به نیاز دیده‌ام.
  - ۶- انجمن بزرگان را دیدم که در گفتشان تفکر بود و در ویرشان خرد.
  - ۷- دستوران دین را دیدم و پرسیدم که خواسته بهتر یا خیم یا خرد.
  - ۸- آنان با همه چاشته (آموزه) خود گفتند: «نامداری، نیروی خرد است».
  - ۹- چه خواسته و گنج بی‌شمار را خیم بپرهیزد و خرد، نگه دارد.
  - ۱۰- برای مرد، ثروت خرد بهترین است و اندوختن پیشه، ارزشمندترین.
- چه خواسته خیم و همپرسی خرد برترینند (Shaked, 1970: 400-401).

## ۲-۳- در ناپایداری دنیا

اندرز دانایان به مزدیسنان، متنی اندرزی در متون پهلوی است (Jamasp-Asana, 1913: 53-54) که شاکد بخشی از آن را نیز، منظوم یافته است. این قطعه بافتی شاعرانه دارد و مضمون آن در ادبیات پس از اسلام نیز، دستمایه شاعران بسیاری شده است:

- [1] wuzurg ummēd kirbag rāy wināh ma kunēd  
pad juwānīh wistāxw ma bawēd (ōšōmandān mardomān)
- [2] če was kasān pad aburnāyīh az gētīg be wizard  
wane ud apaydāg būd hēnd
- [3] būd i dēr zamān pattāyist be pas-ez frazām widašt  
wane ud apaydāg būdan abāyist
- [4] bē nūn ēn kunēm čiš i fraškerdīg abāyēd  
dēr zamān pattāyēd ud ne wišōbēd
- [5] tan hangār ku-m widirēd kār ī gētīg  
hān I grāmīg nāzōg kālbud barēnd
- [6] pad gyāg frāmōšēn anōh anayād be nihēnd  
frāmōšēn-tar ud anayād-tar ud anayād-tar bawēd  
(būd I abar paykārēnd ud drōn ne yazēnd)
- [7] ud man ke ruwān hēm stāyišnōmand az tō tan  
Mustōmand ud garzišnīg bawēm

۱- به امید بزرگ کرفه، گناه مکنید! به جوانی گستاخ م باشید (ای مردمان میرا)!

۲- چه بسیار کسان که به نابرنایی از گیتی بگذشتند، نابود و ناپیدا شدند.

۳- بودند که دیرزمانی ماندند؛ اما پس آنها نیز عاقبت درگذشتند، نابود و ناپیدا شدند.

۴- اما اکنون این کنیم: کار فرسگردي باید کرد که دیرزمان بپاید و تبه نشود.

۵- تن را بنگر [که می گوید] کار این گیتی از من بگذرد؛ آن کالبد نازک و گرامی را ببرند.

۶- به جای فراموشان- آنجا، از یاد رفته نهند. روزبه روز فراموش تر و از یاد رفته تر بود. (باشد که

بر آن پیکار کنند و [برایش] آیین درون را به جای نیاورند).

۷- و من که روان شایسته ستایش هستم، از تو، تن، گله مند و نالانم (Ibid: 397-398).

#### ۲-۴- نکاتی درباره محتوا و سبک اندرزنامه‌های منظوم

از سه اندرزنامه معرفی شده، موضوع دو تای آنها ستایش خرد و دیگری ناپایداری دنیا است. دو موضوع بسیار مهم در ادب و فرهنگ ایران باستان که در منابع اندرزی پهلوی دیگر چون دینکرد سوم و مینوی خرد با تفصیل بیشتری به آن پرداخته شده و پس از اسلام نیز، مورد توجه بسیار قرار گرفته است. اهمیت این سه اندرزنامه در این است که بخشی از رویکرد فرهنگی و ادبی و همچنین اخلاقیات دوره ساسانی را می‌نمایاند که پس از اسلام هم، موضوع برخی از آثار پراهمیت عربی و فارسی بوده است. از مهم‌ترین نمونه‌های ادبیات اندرزی با موضوع سیاسی که ترجمه آنها به فارسی و عربی برجای مانده است، یکی نامه تنسر است، ترجمه‌ای فارسی از متن عربی ابن مقفع که خود از پهلوی ترجمه شده است و دیگری، عهدنامه اردشیر که از پهلوی به عربی ترجمه شده است. از این دو نمونه که بگذریم، بهترین نمونه قرض‌گیری ادبیات عرب از اندرزهای فارسی را در آثار ابن مقفع می‌توان یافت که اصل پهلوی برخی از قطعات آن به خوبی قابل شناسایی است. به گفته شاکد، به نظر می‌رسد که حتی ادبیات دینی اسلامی، از جمله مجموعه احادیث و اقوال زهاد سده‌های نخستین هجری نیز، از منابع اندرزی فارسی گرفته شده است (Shaked, 2012: 14). در اندرز بهزاد فرخ پیروز، خرد با صنعت تکرار که از مؤثرترین روش‌های جلب توجه مخاطب در شعر شفاهی است، ستایش می‌شود. تکرار کلمه «خرد» در سطر سطر شعر، فردوسی را به یاد می‌آورد که او نیز، شاهنامه را با همین شیوه آغاز می‌کند. نه تنها مفهوم خرد، بلکه شیوه تأکید بر آن هم از یک استمرار فرهنگی و ادبی بسیار طولانی خبر می‌دهد:

خرد بهتر از هر چه ایزدت داد	ستایش خرد را به از راه داد
خرد رهنمای و خرد دلکشای	خرد دست گیرد به هر دو سرای

ازو شادمانی و زویت غمیست	و زویت فزونی و زویت کمیست
خرد تیره و مرد روشن روان	نیاشد همی شادمان یک زمان
چه گفت آن خردمند مرد از خرد	که دانا ز گفتار از برخورد

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱/۴)

نکته دیگری که در این منظومه به آن اشاره شده، مسئله پیوستگی خرد با مفهوم اعتدال (پیمان)، یعنی دوری از افراط و تفریط است. «پیمان (اعتدال) با خرد پیداتر شود، دانش با خرد کاری تر شود» (نک. بالا: اندرز بهزاد فرخ‌پروز). در همه متون اندرزی پهلوی به ویژه دینکرد ششم که بلندترین اندرزنامه پهلوی است و همچنین در تعدادی از متون کتاب سوم دینکرد، به رعایت پیمان در همه امور زندگی توصیه شده است و در جایی از این کتاب، از مهم ترین وجوه تمایز ایرانیان با دیگر کشورها و فرهنگ‌ها پیمان شمرده شده است: «ایران همواره پیمان را ستوده و افراط و تفریط را نکوهیده است. در روم، فیلسوفان، در هند، دانایان و در جاهای دیگر، آگاهان، بالاتر از هر چیز مهارت در گفتار را ستوده‌اند. فرزندگان ایران پیمان را پسندیده‌اند» (Denkard, 1911: 429). مفهوم اندازه درست (پیمان)، هسته اصلی همه متون اندرزی است و شاکد معتقد است که این مفهوم، کاملاً ریشه ایرانی دارد؛ هرچند که با افکار ارسطو نیز آمیخته شده است. «مفهوم ارسطویی اخلاق، یعنی اندیشه «میان‌روی»، بازتاب خود را در مفهوم پیمان به معنای «اندازه، اعتدال» می‌یابد که همانند همتای یونانی خود به معنای میان‌روی است» (شاکد، ۱۳۹۳: ۲۶۰). این مفهوم در اندرزنامه‌های عربی که از اندرزنامه‌های پهلوی ترجمه شده‌اند چون کتاب عهد اردشیر بازتاب یافته است (عهد اردشیر، ۱۳۴۸: ۹۵). در شاهنامه، در اندرزی که اورمزد به فرزندش بهرام می‌دهد، به پیوستگی پیمان و خرد اشاره می‌شود که سبک و سیاق آن، یادآور اندرزنامه‌های پهلوی است:

هر آنکس که باشد خداوند گاه  
میانجی خرد را کند بر دو راه:  
نه تیزی، نه سستی به کار اندرون  
خرد باد جان تو را رهنمون!

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۶/۲۵۸)

در خیم و خرد فرخ مرد، خرد بر خواسته و ثروت برتری داده شده است که البته، این برتری به معنای ناپسند شمردن خواسته و ثروت نیست؛ بلکه خرد و ثروت مکمل یکدیگر دانسته شده‌اند: «چه خواسته و گنج بی‌شمار را خیم پرهیزد و خرد، نگه دارد. برای مرد، ثروت خرد بهترین است و اندوختن پیشه، ارزشمندترین» (نک. بالا: اندرز خیم و خرد فرخ مرد). این موضوع که در اکثر اندرزنامه‌های پهلوی و همچنین در متون دوره اسلامی و شاهنامه به آن تأکید شده است، نشان‌دهنده رویکرد زندگی محور ادبیات اندرزی پیش و پس از اسلام است. در خیم و خرد فرخ مرد، آموختن پیشه، ارزشمندترین فضیلت شمرده شده است. استاد مزدپور معتقد است که این متن پهلوی به دلیل اشاره به مسائل مربوط به حرفه‌ها و مشاغل و اشتراک موضوع با عیاری و پهلوانی و فتوت‌نامه‌ها، ارزش و اعتبار ویژه‌ای دارد. این قطعه از یک سو با کتیبه حاجی آباد شاپور، که معیار و میزانی برای تیراندازی و تعیین تیرانداز «نیودست» و دارای «دست نیکو» و قدرتمند به دست می‌دهد (Nyberg, 1964: 133)، ارتباط دارد و از سوی دیگر، با آیین‌نامه‌های دوران ساسانی و توالی اندرزهای مربوط به پیشه‌ها و مشاغل با آیین جوانمردی در قابوس‌نامه (عنصرالمعالی، ۱۳۶۸: ۱۵۷-۲۶۴). ایشان در پایان حدس می‌زند که «بر مبنای قرائن و شواهد می‌باید خیم و خرد فرخ مرد را نمونه پیشین و قدیمی‌تر برای قانون‌های صنفی و فتوت‌نامه‌های اصناف در ادوار بعدی بدانیم که خود آداب و قواعد را در مشاغل معین می‌کنند و در این باره رهنمود و اندرز می‌دهند» (مزدپور، ۱۳۸۶: ۳۷).

موضوع اندرزنامه سوم ناپایداری دنیاست. شاعران و نویسندگان پس از اسلام، مضامین بسیاری را از ادبیات تعلیمی گذشته که اندرزنامه‌ها نیز بخشی از آن بودند، در آثار خود به کار گرفتند؛



از جمله این موارد، دو مضمون است که هیچ گاه تازگی و طراوت خود را با تکرارهای دوباره و چندباره از دست نداده‌اند؛ یکی مضمون خرد و ستایش آن بود که درباره آن سخن گفتیم و دیگری مضمون ناپایداری دنیا که تقریباً تمامی شاعران در فصلی از شاعری خود به آن پرداخته‌اند؛ مضمونی که عرضه نبوغ آمیز آن را در رباعی‌های خیام می‌توان یافت؛ همچنین در شاهنامه، خطبه‌های آغاز و انجام هر داستان با موعظه و پند و اندرز فردوسی همراه شده است که معمولاً مضمون آن نکوهش جهان است که گاه نیز از خردمند خواسته شده به آن دل خوش نکند:

جهاننا سراسر فسونی و باد      به تو نیست مرد خردمند شاد

(فردوسی، ۱۳۹۶: ج ۱/۱۵۷)

فردوسی، نامه پیشینیان را با خطبه و نتیجه‌ای از ادبیات اندرزی خود آنان، که سه متن معرفی شده نمونه‌هایی از آن هستند، برای عبرت آیندگان در هر داستان تکرار و تکرار می‌کند:

ایا دانشی مرد بسیار هوش	همه چادر آزمندی مپوش
که تخت و گله چون تو بسیار دید	چنین داستان چند خواهی شنید
رسیدی به جایی که بشتافتی	سرامد کز و آرزو یافتی
چه خواهی از این تیره خاک نژند؟	که هم بازگرداندت مستمند
اگر چرخ گردان کشد زین تو	سرانجام خشت است بالین تو

(همان: ج ۱/۳۱۵)

### ۳- نتیجه گیری

اشعار بازمانده فارسی میانه هرچند اندک است؛ اما همین میزان، رویکرد فرهنگی عصر ساسانی را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که در آن زمان انواع مضامین و معانی مقبولیت داشته است: حماسه، مرثیه، حکمت، پند و اندرز، اخلاق و هجو. در این میان، تنها جای وصل و هجر و مضامین عاشقانه خالی است که روایت بعدی نمونه‌های آن در زبان فارسی، چون ویس و رامین و خسرو و شیرین شاید بتواند جای خالی آن را پر کند. بخش اندرزی این مجموعه، به‌ویژه نمونه‌های منظوم آن، جایگاهی ممتاز در میان آثار پهلوی دارد؛ هم از این نظر که آثار قابل توجهی از آن باقی مانده است و هم از جهت تأثیر غیر قابل انکاری که بر اخلاقیات و ادبیات دوره اسلامی، (ادبیات فارسی دری و ادبیات عربی) گذاشته است.

از لحاظ زبانی نیز، ارزش اندرزنامه‌های منظومی که در این مقاله معرفی شد، از این نظر است که چون وزن و آهنگ دارند، فهم درست را در باب برخی واژگان آن با املائی مبهم پهلوی آسان‌تر می‌کند؛ همچنین در این اندرزنامه‌ها، واژه‌هایی به کار رفته است که در متنی دیگر نمی‌بینیم.

از لحاظ ادبی می‌توان گفت که این اشعار از عنصر خیال و تصویر تقریباً بی‌بهره‌اند و سبک ساده‌ای دارند. در حوزه بدیع نیز، تنها آرایه‌ای که نمود چشمگیری دارد، آرایه تکرار است (مثلاً واژه خرد که برای تأکید تکرار شده است)؛ بنابراین، راز ماندگاری این گونه اشعار را باید در جنبه‌های دیگری جست که بتواند نبود تصویر را در آنها جبران کند؛ در واقع، کلمات حکیمانه به دلیل تأثیرگذاری خود، جایگزین تصویرهای شاعرانه شده است<sup>۴</sup> و در آنها به جای تشبیه و استعاره و صناعات بلاغی، از عناصر دیگری برای تأثیرگذاری استفاده شده است. در این اندرزنامه‌ها قدرت و تأثیرگذاری سخنان حکیمانه، نبود صنایع ادبی را جبران کرده است.

## یادداشت‌ها

<sup>۱</sup> - E. Benveniste, "Le texte du draxT Asurik et la versification pehelevie", JA CCXVII, 1930, 193-225; idem, "le mémorial de Zarēr, poème pehlevie mazdéen, JA CCXX, 1932, 245-93; idem, "Une apocalypse pehlevie: le Žāmāsp-Nāmak", RHRCVI, 1923, 337-80.

- ۲- دربارهٔ ویژگی‌های ادبی درخت آسوری نک. عباس آذرانداز (۱۳۹۳)، کهن‌نامهٔ ادب پارسی؛ یادگار زریران، عباس آذرانداز (۱۳۹۲)، زبان‌شناخت.
- ۳- دربارهٔ خنیاگری و سنت آن در دورهٔ میانه نک. مری بویس، (۱۳۶۹)، گوسان پارتی و سنت خنیاگری ایرانی در خنیاگری و موسیقی ایران، ترجمهٔ بهزاد باشی، تهران: انتشارات آگاه و جلال خالقی مطلق، (۱۳۸۳)، حماسه، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، صص. ۱۳۹-۱۵۳.
- ۴- دربارهٔ شعر بی‌تصویر و شاعرانی که در شعر فارسی به این اسلوب شعر گفته‌اند، نک. دکتر محمود فتوحی، بلاغت تصویر، تهران: انتشارات سخن. صص. ۴۱۹-۴۲۶.
- ۵- نک. احمد تفضلی، «اندرز بهزاد فرخ‌پروز»، هفتاد مقاله، ارمان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی، گردآوردهٔ یحیی مهدوی- ایرج افشار، تهران، ۱۳۷۱.

## فهرست منابع

- آذرانداز، عباس. (۱۳۹۲). «یادگار زریران، نمونه‌ای از هنر شاعری ایرانیان در دورهٔ میانه». چاپ‌شده در نشریهٔ زبان‌شناخت. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. س ۴، ش ۲، پاییز و زمستان.
- آذرانداز، عباس. (۱۳۹۳). «اهمیت ادبی درخت آسوری». چاپ‌شده در کهن‌نامهٔ ادب پارسی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. س ۵، ش ۲، تابستان.
- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۳). شعر در ایران پیش از اسلام. تهران: انتشارات طهوری.

- بویس، مری؛ فارمر، هنری لوکاچ. (۱۳۶۸). **خنیاگری و موسیقی در ایران**. تهران: انتشارات آگاه.
- بهار (ملک الشعرا)، محمد تقی. (۱۳۶۹). **سبک شناسی**. ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تفضلی، احمد. (۱۳۸۳). **تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام**. تهران: انتشارات سخن.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۷۲). **گل رنج های کهن**. تهران: نشر مرکز.
- شاکد، شائول. (۱۳۹۱). **نمونه های شعر فارسی میانه**. ترجمه عباس آذرانداز. مزدک نامه ۵. تهران: انتشارات اساطیر.
- شاکد، شائول. (۱۳۹۳). **از ایران زردشتی تا اسلام**. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: انتشارات ققنوس.
- عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر زیاری. (۱۳۶۸). **قابوس نامه**. به کوشش غلامحسین یوسفی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عهد اردشیر. (۱۳۴۸). به کوشش احسان عباس، ترجمه محمدعلی امام شوشتری. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۶). **شاهنامه**. به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دایره-المعارف بزرگ اسلامی.
- مزداپور، کتابون. (۱۳۸۰). «**خیم و خرد فرخ مرد**». چاپ شده در فصلنامه فرهنگ. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ش ۳۷ و ۳۸. بهار و تابستان.
- مزداپور، کتابون. (۱۳۸۶). **اندرزنامه های ایرانی**. تهران: دفتر پژوهش های ایرانی.

## References

- Benvenist, E. (1932). *Mémorial de Zarēr*. in Journal Asiatique, no. 1, Paris

- Benvenist, E.. (1952). "Some Parthian abecedarian hymns", BSOAS, XIV/3, 435-50.
- Boyce, M. (1968). "*Middle Persian Literature*". Handbuch der Orientalistic. Abt. 1. Bd. 4. Abs. 2: Literatur, Lief. 1, Leiden, pp. 31-66.
- Denkart, the Complete Text of the Pahlavi Dinkard. (1911). D. M. Madan, ed. Bombay.
- Henning, W. B. (1933). "A Pahlavi Poem". Acta Iranica VI (selected papers), Leiden. pp. 349-357.
- —————. (1977). "disintegration of the Avestic studies". Acta Iranica VI (selected papers), Leiden. pp. 151-167
- Jamasp-Asana, J. M. (1913). Pahlavi Texts: Bombay.
- Nyberg, H. S. (1974). *a Manual of Pahalavi*. Wiesbaden, Otto Harrassowitz.
- Shaked, S. (1970). "Specimens of Middle Persian Verse" *Papers in W. B. Henning Memorial Volume*. London: Lund Humphries.
- Shaked, S; Safa, Z "ANDARZ, (2012)." *Encyclopædia Iranica*, II/1, pp. 11-22, available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/andarz-precept-instruction-advice>.
- Tavadia, J. G. (1950). "A didactic poem in Zoroastrian Pahlavi", *Indo-Iranian Studies I, Santinikitan*, 86-95.